

شنبه ۱ اسفند ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۲۵ • ۹

شرق روزنامه جهان

جدالی برای اینکه خودش را اثبات کند، نداشت	صفحه ۱۰
ز رشک طلایی برای نماهای شهری	صفحه ۱۱
تاوان استقلال را داده‌ام؛ گفت‌وگو با حسین یاری	صفحه ۱۲

نگاه

اسرائیل برنده بزرگ استقلال کردستان نوژن اعتضاد السلطنه

«سایکس-پیکو» در حال دگرگونی و حتی فروپاشی است. درک این امر کار دشواری نیست. از زمان آغاز اشغال «موصل» توسط داعش در سال ۲۰۱۴ میلادی و پیشروی آن گروه برای تشکیل خلافت اسلامی داعیای و بالاگرفتن بحران‌های قومیتی و فرقه‌ای، زمزمه‌های زیادی مبنی بر لزوم تغییر مرزهای سرزمینی در منطقه مطرح شد.

دراین‌میان، اقلیم خودمختار کردستان عراق پیشتاز بود. حکومت اقلیم بر این باور بود که توافق‌نامه سایکس- پیکو که به‌طور سری میان بریتانیا و فرانسه در سال ۱۹۱۶ میلادی در خلال جنگ جهانی اول تنظیم شد و خاورمیانه جدید متشکل از کشورهای سوریه، عراق، لبنان و فلسطین را بدون توجه به تفاوت‌های قومیتی، فرهنگی و فرقه‌ای و صرفاً در راستای منافع استعماری قدرت‌های خارجی به وجود می‌آورد، خود زمینه‌ساز منازعات قومیتی و تشدید تضادهای میان اقوام خاورمیانه شده است؛ و از همین‌رو «مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان عراق، بارها خواست استقلال اقلیم را مطرح کرده است.

درحالی‌که آمریکایی‌ها همواره بر لزوم حفظ تمامیت ارضی عراق در قالب فدرال تأکید کرده و آن را عامل تقویت ثبات منطقه قلمداد و اروپایی‌ها نیز در این زمینه همراهی‌شان کرده‌اند، تنها یک رژیم سیاسی از سال‌ها قبل موافق استقلال کردستان و چشم‌انتظار تحقق چنین لحظه‌ای بوده است: اسرائیل. «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر این رژیم، در ژوئن سال ۲۰۱۴ میلادی بلافاصله پس از اظهارنظر آقای بارزانی درباره لزوم برگزاری همه‌پرسی قریب‌الوقوع برای استقلال کردستان اعلام کرد که تشکیل کردستان واحد سبب تقویت ائتلاف میان قدرت‌های «میانه‌رو» در منطقه خاورمیانه خواهد شد.

جالب آنجاست که اعلام حمایت نتانیاهو تنها چندروز پس از اعلام ورود اولین تانکر نفت خام تولیدشده در منطقه خودمختار کردستان به بندر «اشکلون» بود. در سپتامبر ۲۰۱۵، روزنامه «فاینشال‌تایمز» گزارشی را منتشر کرد که نشان می‌داد بیش از ۷۵ درصد از سوخت وارداتی رژیم اسرائیل از کردستان عراق می‌رسد. به نوشته این روزنامه، ایجاد کردستان واحد می‌تواند سبب ایجاد جبهه واحدی به‌طور هم‌زمان علیه نیروهای شیعه و سنی شود. با وجود اینکه اسرائیل تقویت همکاری برای جنگ علیه داعش را علت اصلی حمایت از اقلیم دانسته، باین‌حال، این همکاری فراتر از جنگ علیه تروریسم است.

روزنامه «معاریو» اسرائیل در ماه می سال ۲۰۱۵ با انتشار گزارشی نوشت که با توجه به عمق وابستگی دولت اقلیم به تل‌آویو و حمایت اسرائیل از ایده استقلال کردستان، دکتر «نهری زاگرس»، مشاور حکومت اقلیم، عازم تل‌آویو شد تا با مقام‌های ارشد برای کسب حمایت سیاسی اسرائیل و به‌رسمیت‌شناختن کشور مستقل کردستان مذاکره کند.

او در مصاحبه با «معاریو» از همبستگی کُردی با اسرائیل سخن گفته و اشاره کرده بود که تل‌آویو نقش مهمی در آینده کردستان خواهد داشت. همان زمان «آلسون بن دیوید»، تحلیلگر مسائل اسرائیل، در معاریو نوشت که دولت کردستان متشکل از بخش‌های کردنشین عراق، سوریه و ترکیه متحدی رؤیایی برای رژیم اسرائیل خواهد بود.

پیشینه روابط امنیتی و نظامی اسرائیل با کُردهای عراق به دهه ۶۰ میلادی بازمی‌گردد. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی استراتژی «اتحاد پیرامونی» مدنظر «بن گوریون» نزدیکی با کشورهای منطقه و اقلیت‌های قومیتی و مذهبی‌ای بود که در تضاد با منافع کشورهای عربی بودند.

پیشمرکه‌ها توسط نظامیان ارتش اسرائیل مورد آموزش قرار گرفتند تا وارد نبرد با دولت مرکزی تحت زمامداری «صدام» شوند که دشمنان مشترکش را یهودیان، ایرانیان و کردها قلمداد می‌کرد؛ این همکاری در دهه‌های بعدی نیز تداوم یافت.

علاوه بر بُعد نظامی و امنیتی، استقلال کردستان از نظر جمعیتی نیز برای رژیم اسرائیلی اهمیت دارد. یهودیان، ارامنه و آسوری‌ها، مسیحیان پارسی در لبنان، دروزی‌ها و کردها تنها اقوام غیرعربی هستند که مناس از مسلمان شدن اکثریت در خاورمیانه در اقلیت باقی مانده‌اند. در نتیجه رژیم اسرائیل نیز که خود را دولتی یهودی و حافظ منافع آنان قلمداد می‌کند، از دیرباز احساس نزدیکی با گروه‌های فوق داشته و در استراتژی بلندمدت، تشکیل ائتلاف و تقویت هر یک از آنان را سبب برهم‌خوردن توازن قوا به نفع خودش در مقابل جبهه عربی و اسلام می‌داند.

در واقعیت امر، تغییر جهت ژئوپلیتیک منطقه به سمت تجزیه عراق و کل منطقه به دولت‌های کوچک‌تر به‌نفع رژیم اسرائیل است. مقام‌های اسرائیلی می‌دانند که استقلال کردستان عراق می‌تواند زمینه فعالیت‌های جدایی‌طلبانه در سایر مناطق را فراهم کند.

پارادوکس جالبی است: اسرائیلی که خود در نتیجه توافق سایکس- پیکو ظهور کرد اینک حامی حکومت اقلیم کردستان عراق شده که خود بیشترین ضرر را از آن قرارداد دیده است. نکته بارز آن است که با وجود نگرانی تمامی پایتخت‌های خاورمیانه نسبت به استقلال کردستان، این رهبران اسرائیلی هستند که با خونسردی در حال تماشای تحولات آن‌سوتر از مرزها در کناره رود سیروان از سواحل مدیترانه‌اند.

یادداشت

بازگشت پرجالش سارکوزی

درحالی‌که «نیکلا سارکوزی»، رئیس‌جمهور سابق فرانسه، طرح بازگشت دوباره‌اش به قدرت در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده میلادی را در دستور کار دارد، با مخالفت‌های فزاینده هم‌حزبی‌هایش مواجه شده به نحوی که سه رقیب پیشروی او در حزب در یک سخنرانی او غیبت کردند و رقیب چهارمی نیز برای او پیدا شد.

او با وجود اینکه هنوز رسماً کاندیداتوری خود را اعلام نکرده، برنامه‌ای را به‌منظور مقابله با مهاجران و کاهش مالیات‌ها تشریح کرده و گفت که خواهان درنظرگرفتن این برنامه به‌عنوان مبنای کار حزب محافظه‌کارش برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۷ است.

باین‌حال سه کاندیدای مطرح رقیب سارکوزی یعنی «آن ژوپه» و «فرانسوا فیون»، نخست‌وزیران سابق و «برونو لومر»، وزیر کشاورزی سابق، در این سخنرانی سارکوزی غایب بوده و گفته‌اند که سیاست‌های پیشنهادی سارکوزی آنها را محدود نخواهد کرد.

«ژان پیر افارین»، نخست‌وزیر سابق فرانسه و از مهره‌های بانفوذ در حزب سارکوزی، نیز اعلام کرده که در حزش‌ش از کاندیداتوری ژوپیه حمایت می‌کند.

سارکوزی که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ رئیس‌جمهوری فرانسه بود، از حریض‌خواست در مواجهه با چالش قدرتمند «مارین لئوین»، رهبر حزب راست افراطی «جبهه ملی»، متحد شود.

سارکوزی در سال ۲۰۱۴ فرایند بازگشت سیاسی خود را با پیروزی در انتخابات حزبش و انتخاب به‌عنوان رهبر حزب «اتحاد برای جنبش مردمی» که بعداً نامش را به حزب «جمهوری‌خواهان» تغییر داد، آغاز کرد. او در سخنرانی‌اش گفت: «زمانی که حزب جبهه ملی تا این حد قدرتمند شده، قابل‌پذیرش نیست که اختلاف داشته باشیم».

اما رافارین می‌گوید سارکوزی خودش به توصیه‌هایی که می‌کند، عمل نکرده است. او گفت: «به سارکوزی گفتم که رابهردش برای ریاست‌جمهوری بیش‌ازحد اختلاف‌افزین است». آخرین نظرسنجی منتشرشده نشان می‌دهد که ۴۸ درصد از رأی‌دهندگان محافظه‌کار عقیده دارند ژوپیه که در دولت‌های قبلی فرانسه، هم وزیر دفاع و هم وزیر خارجه بوده، بهترین کاندیدای حزب جمهوری‌خواهان برای انتخابات سال ۲۰۱۷ خواهد بود، درحالی‌که تنها ۲۰ درصد چنین عقیده‌ای را در مورد سارکوزی داشتند.

پیشنهادهایی که سارکوزی می‌دهد شدیداً محافظه‌کارانه بوده و شامل اصلاح قوانین کار، ساخت زندان‌های بیشتر و تشدید کنترل مرزها می‌شود. سارکوزی قصد دارد پیشنهادهایش را در ماه آوریل در میان اعضای حزبش به رای بگذارد. سارکوزی هنوز رسماً کاندیداتوری خود برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۷ فرانسه را مطرح نکرده اما رافارین با قاطعیت می‌گوید که سارکوزی را نباید خارج از این رقابت تلقی کرد.



تجارت اعضای بدن در چین

تمرین‌کننده‌های بی‌گناه «فالون گونگ» بیشترین قربانیان برداشت اندام

یک نفر در حال برداشتن یک عضو از یک فرد زنده در یک مرکز برداشت اندام در چین

چین، به‌خاطر باورهایشان با آزار حزب کمونیست روبه‌رو هستند. در سال ۱۹۹۹ رهبر حزب کمونیست، «جیانگ زمین»، دستور داد که «آنها را از نظر مالی ورشکست کنید، خوش‌نامی‌شان را از بین ببرید و جسمشان را نابود کنید». از آن پس تا امروز، هزاران نفر از آنان بازداشت شده، به قتل رسیده یا بدون هیچ نشانی مفقود شده‌اند. جداسازی اعضای بدن قسمتی از این آزار و سرکوب است. روش‌های تزکیه از دوران باستان در چین رواج داشته و تأکید آنها بر رشد جسمی و روحی از طریق تمرین‌های فیزیکی و آموزش‌های معنوی است. بررسی‌های علمی نشان داده که تمرین فالون‌گونگ تأثیر چشمگیری روی بهبود سلامت جسمی و روحی مردم داشته است. به‌همین‌دلیل در چین، حدود صدمیلیون نفر به تمرین این روش روی آوردند. وقتی تعداد این افراد از تعداد اعضای حزب کمونیست پیشی گرفت، این حزب فالون‌گونگ را رقیب خود دید. فالون‌گونگ یک مذهب نیست، اما در چین کمونیستی مردم را به سمت خداجویی و معنویت هدایت می‌کرد. آموزش‌های فالون‌گونگ با تفکر کفرآمیز کمونیسم در تضاد است. به‌همین‌دلیل کمونیست‌ها سرکوب و آزار شدید مردمی که به آن گرایش داشتند را در پیش گرفتند.

شاهدان عینی، گواهی بر حقیقت تلخ

«آنچه از شاهدان شنیدیم به حدی تکان‌دهنده بود که بیشتر ترجیح می‌دادیم دروغ باشد تا حقیقت» (محصول خونین). نخستین شاهد، همسر سابق یک جراح مغز و اعصاب در بیمارستان «سو‌جیاوتون» در شهر «شن‌یانگ» بود. این خانم گفت که همسرش، طی دوسال، حدود دوهزار قرنیه را از تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ خارج کرده است. هیچ‌کدام از قربانیان زنده نماندند، زیرا جراحان دیگر، سایر اندام‌ها را خارج می‌کردند. این شاهد در گفت‌وگو با روزنامه اپِک‌تایمز گفت که انگیزه‌اش از افشای این حقایق، نجات جان هزاران نفری بود که هنوز در زندان مخفی پشت بیمارستان محبوس بودند. در آن زمان اپِک‌تایمز از وجود شش‌هزار زندانی فالون‌گونگ در این زندان خبر داد. در ضمیمه ۱۶ و ۱۸ «محصول خونین» گفت‌وگوی کاملی با این شاهد آمده است. یک هفته بعد، پزشکی از ارتش ضمن تأیید گفته‌های این شاهد مدعی شد دست‌کم در ۳۶ اردوگاه کار اجباری در چین، چنین جنایاتی در حال وقوع است. وی شاهد بوده که در شب و با کنترل نیروهای امنیتی، جمع کثیری از تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ توسط قطارهای حمل احشام انتقال داده می‌شدند. کمی پیش‌تر واشنگتن‌پست، گزارشی درباره یک جراح چینی منتشر کرد و گفت که او در جداسازی اعضای زندانیان دست داشته است.

«ادوارد مک‌میلان اسکات»، نایب‌رئیس وقت پارلمان اروپا، در سفر به چین، با شاهدهی دیدار کرد و گفته است که آن شاهد اردوگاه‌هایی را می‌شناخت که در آنجا اعضای بدن را درمی‌آوردند. گزارش کامل او در سایت شخصی‌اش قرار دارد. در مارس ۲۰۱۵ نیز «جیانگ یان‌یانگ»، جراح سابق ارتش، در مصاحبه با تلویزیون هنگ‌کنگ جزئیاتی را درباره برداشت اندام فاش کرد. سازمان جهانی بررسی آزار و شکنجه فالون‌گونگ نیز پس از تحقیقی طولانی، به‌تازگی فهرستی از ۸۶۵ بیمارستان و هزارو ۵۰۰ پزشک درگیر در این جنایات را اعلام کرده است.^۱

دولت چین چندسال پیش به استفاده از اعضای بدن اعدامی‌ها اقرار کرد، اما با رجوع به آمار غفو بین‌الملل درخصوص تعداد اعدام‌ها، دیده می‌شود که تعداد عمل پیوند، ۲۶ برابر بیشتر از تعداد اعدام‌ها بوده است. عمل عدا پیوند با آمار اعدام به‌هیچ‌وجه جور در نمی‌آید. سهم اهدای داوطلبانه عضو و بیماران مرگ مغزی هم کمتر از دودرصد است. منبع بزرگ برای تأمین عضو چه کسانی هستند؟

منابع بیکران عضو پیوندی وزمان انتظار کوتاه

در چین دریایی از اعضای بدن در دسترس است. منابع این میزان بی‌انتهای عضو پیوندی چه کسانی هستند؟ بی‌بی‌سی به نقل از «بروفسور ویکمور» می‌گوید، «در چین سرعت یافتن عضو گاهی کمتر از یک هفته است و این نشان می‌دهد کسانی از قبل برای این کار گزینش شده‌اند». زمان انتظار در کشورها دیگر چندماه یا حتی چندسال است. تعداد مراکز پیوند عضو چین در شش‌سال پس از سال ۱۹۹۹ افزایش عجیب ۳۰۰ درصدی داشته است!

یکی از پزشکان ارتش از منطقه «شن‌یانگ» گفته است که تعداد واقعی پیوند اعضا در چین، دست‌کم سه‌برابر آمارهای اعلام‌شده در رسانه‌های کشور است. فروش عضو برای بیمارستان‌ها منبع گنفت درآمد بوده است. بیمارستان پلیس پکن علناً اعلام کرده که پیوند عضو، اصلی‌ترین منبع کسب درآمدش است و درآمد خالص سالانه آن از ۳۰ میلیون یوآن عبور می‌کند. ماتاس، از نویسندگان محصول خونین، می‌گوید، اگر منبع عضو صرفاً اعدامی‌ها باشند برای این تعداد عمل پیوند، نیاز به حدود صدهزار اعدام در یک سال هست تا اعضای مورد نیاز برای این میزان عمل پیوند تأمین شود که بدیهی است چنین تعداد اعدامی وجود ندارد. اعدام‌ها از سال ۱۹۹۹ به‌بعد به‌طور میانگین حدود هزارو ۶۰۰ مورد در سال بوده و روندی کاهشی داشته است.



تجارت اعضای بدن در چین

تمرین‌کننده‌های بی‌گناه «فالون گونگ» بیشترین قربانیان برداشت اندام



هادی فیروزی

«از آنان آزمایش می‌گرفتند و بعد آنها مفقود می‌شدند، اتوبوس‌های پر از آدم، بندهای پر از زندانی که ناگهان خالی می‌شد! اینها از موضوع بسیار بزرگ‌تری حکایت می‌کند». یک محقق به نام «اتان گانمن»، ضمن گفتن این اظهارات، نتیجه می‌گیرد که «دست‌کم ۶۵ هزار تمرین‌کننده روش معنوی «فالون‌گونگ»، قربانی تجارت سیاه اعضای بدن در چین شده‌اند» (هفته‌نامه ویکلی‌استاندارد) با وجود گزارش‌هایی که از برداشت اعضای بدن انسان‌های زنده توسط تروریست‌های «داعش» و طبق برخی گزارش‌ها توسط رژیم اسرائیل منتشر می‌شود، اما شواهد بسیاری نشان می‌دهد که حزب کمونیست چین بیش از هر گروهی دست به این عمل زده است. هفته‌نامه «نشنال‌ریویو» در ماه می ۲۰۱۵ اذعان کرد که «چین هنوز درحال کشتن و برداشت اندام تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ است». طبق مدارک و شواهدی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، حزب کمونیست چین توسط بیمارستان‌ها، زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری اقدام به برداشت اندام حیاتی بدن ده‌هزاران انسان زنده کرده و این‌گونه باعث قتل آنان شده است. مسلمانان اویغور، ساکنان تبت و زندانیان عقیدتی بخشی از قربانیان هستند. اما عمده قربانیان کسانی بوده‌اند که روش معنوی فالون‌گونگ را تمرین می‌کرده‌اند. فالون‌گونگ یکی از روش‌های مراقبه و تزکیه چینی است که از سال ۱۹۹۲ به دلیل فواید چشمگیر در بهبود سلامت روحی و جسمی، در چین محبوبیت زیادی پیدا کرد. اما حزب کمونیست چین نگران شد که گسترش این روش معنوی باعث حذف باورها و ایده‌های کمونیستی از جامعه شود، بنابراین از سال ۱۹۹۹ راه آزار و سرکوب شدید آن را در پیش گرفت.

آمار رسمی می‌گوید در چین، تعداد عمل‌های پیوند عضو از سال ۱۹۹۹ به شکلی غیرطبیعی افزایش داشته و تعداد مراکز پیوند عضو نیز رشد عجیبی داشته است؛ یعنی درست از زمانی که بازداشت غیرقانونی تمرین‌کننده‌های فالون‌گونگ آغاز شد. به این معنی که بیمارستان‌های چین از آن تاریخ دارای منبع بی‌انتهای عضو بوده‌اند. دولت چین چندسال پیش به استفاده از اعضای بدن اعدامی‌ها اقرار کرد، اما با رجوع به آمار غفو بین‌الملل درخصوص تعداد اعدام‌ها، دیده می‌شود که تعداد عمل پیوند، ۲۶ برابر بیشتر از تعداد اعدام‌ها بوده است. تعداد عمل پیوند با آمار اعدام به‌هیچ‌وجه جور در نمی‌آید. سهم اهدای داوطلبانه عضو و بیماران مرگ مغزی هم کمتر از دودرصد است. منبع بزرگ برای تأمین عضو چه کسانی هستند؟ گزارش‌ها حاکی است که برداشت اعضای بدن در چین همچنان ادامه دارد و از سویی در سال ۲۰۱۵ حدود ۱۴۰ تمرین‌کننده در حبس کشته شدند.

گزارش‌هایی مستند و تکان‌دهنده

در جولای ۲۰۱۵ «دیوید ماتاس»، وکیل و محقق سرشناس کانادایی، به گزارشگر روزنامه «استرالیئن» گفت: «این جریان هنوز درحال وقوع است. افرادی که امروزه از زندان‌های چین آزاد می‌شوند، هنوز درباره آزمایش‌های خون صحبت می‌کنند (تا میزان سلامت اندام آنها برای برداشت مشخص شود)». روزنامه استرالیئن فروش‌ترین روزنامه ملی استرالیاست. «مانفرد نوک»، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور شکنجه، در گزارشی جداسازی اعضای بدن تعداد بسیار زیادی از این افراد را تأیید می‌کند. «اسما، جهانگیر»، فرستاده ویژه سازمان ملل در زمینه آزادی مذاهب، در گزارش خود از ۲۵۰ منطقه یاد می‌کند که سرقت اعضای بدن در آنها روه داده است. در گزارش حقوق بشر وزارت خارجه ایالات متحده نیز به طور خاص به موضوع سرقت اعضای بدن مسلمانان اویغور و تمرین‌کنندگان فالون‌گونگ اشاره شده است.

«شرارتی که این سیاره تا‌به‌حال به خود ندیده است»، این تعبیری است که «دیوید ماتاس» از وقایع فوق دارد. این وکیل به‌همراه «دیوید کیلگور»، دیگر حقوق‌دان کانادایی، درباره این موضوع پژوهش گسترده‌ای انجام داده‌اند. نتیجه این تحقیقات گزارشی به نام «محصول خونین»^۱ است که شامل ۵۲ مدرک معتبر و حدود ۱۴۰ صفحه است. این گزارش نشان می‌دهد حزب کمونیست از سال ۱۹۹۹، از طریق سرقت اعضای بدن، تعداد بسیار زیاد و نامعلومی از تمرین‌کننده‌های فالون‌گونگ را به کام مرگ فرستاده است. ماتاس به‌خاطر پژوهش‌های خود نامزد جایزه صلح نوبل نیز شده است.

پیشینه فالون گونگ

برای مردم خارج از چین این سؤال وجود دارد که موضوع فالون‌گونگ (فالون‌دافا) در داخل چین چیست؟ چرا ده‌ها میلیون چینی مشتاقانه به آن گرایش دارند و چرا از سوی حزب کمونیست مورد آزار و سرکوب شدید قرار گرفته است؟ سابقه سرکوب روش‌های معنوی، ادیان الهی و دگراندیشان در چین کمونیستی به انقلاب فرهنگی دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. میلیون‌ها تمرین‌کننده فالون‌گونگ، همانند اقلیت مسلمان، ساکنان تبت و مسیحیان